

رابرت گرین

33

استراتژی
جنگ

مترجم: رسول ابراهیمی

هرگونه کپی برداری از این کتاب به هر شکل ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد

سرشناسه کتاب

نام کتاب	33 استراتژی جنگ
عنوان انگلیسی	The 33 Strategies of War
نویسنده	رابرت گرین
مترجم	رسول ابراهیمی
موضوع	آموزشی
نوبت چاپ	الکترونیکی
مشخصات نشر	دیجیتال نشر به صورت الکترونیک

فهرست مطالب

6	مقدمه
25	بخش اول
25	نبرد درونی
45	جنگ گذشته را تکرار نکنید
75	در میان آشفتگی اتفاقات، آرامش خود را از دست ندهید
106	ایجاد حس فوریت و ناامیدی
133	بخش دوم: جنگ سازمانی تیمی
134	از تله‌های تفکر گروهی دوری کنید
166	نیروهای خود را تقسیم کنید
228	بخش سوم جنگ دفاعی
229	نبردهای خود را با دقت انتخاب کنید
260	برگرداندن ورق
299	ایجاد یک حضور ترسناک
331	معامله فضا با زمان
343	بخش چهارم: جنگ تهاجمی

- 345 جنگ‌ها را ببازید، اما در نبرد اصلی پیروز شوید
- 379 دشمن خود را بشناسید
- 412 غلبه بر مقاومت
- 421 کنترل کردن شرایط
- 452 ضربه به نقطه ضعف اصلی
- 471 در نبردها بباز، اما در جنگ پیروز شو
- 493 نقطه ضعف حریف را پیدا کن و حمله کن
- 523 دشمن را در محاصره بگیر
- 545 آنها را به ضعف بکشانید: استراتژی آماده برای درو
- 587 مذاکره در حین پیشروی
- 603 دانستن اینکه چگونه کارها را به پایان برسانیم
- 628 بخش پنجم: جنگ‌های غیرعادی کثیف
- 630 ترکیب بی‌درز واقعیت و خیال
- 645 مسیر غیرمنتظره را انتخاب کنید
- 690 جایگاه اخلاقی برتر را تصاحب کنید
- 710 هدف ندهید
- 733 راهبرد ائتلاف
- 773 به رقیبانت آنقدر طناب بده که خودشان را حلق‌آویز کنند

- 812 گام‌های کوچک بردارید
- 830 نفوذ به ذهن‌ها
- 855 نابودی از درون
- 873 تسلط در عین ظاهرسازی تسلیم
- 907 پخش کردن ترس و وحشت

مقدمه

ما در فرهنگی زندگی می‌کنیم که ارزش‌های برابری، اهمیت هماهنگی با گروه و همکاری با دیگران را آموزش می‌دهد. از همان کودکی به ما یاد می‌دهند که کسانی که دعوایی و پرخاشگر هستند، در جامعه تنها می‌مانند و محبوب نیستند. این ارزش‌های صلح و همکاری به روش‌های مختلفی به ما منتقل می‌شوند: از طریق کتاب‌های موفقیت، از طریق ظاهر آرام و دوستانه افراد موفق، و از طریق ایده‌هایی که در جامعه به عنوان درست پذیرفته شده‌اند. مشکل اینجاست که ما برای صلح آموزش دیده‌ایم، اما برای چیزی که در دنیای واقعی با آن روبرو می‌شویم یعنی جنگ اصلاً آماده نیستیم. زندگی انسان در زمین یک جنگ است.

کسی که صلح می‌خواهد، باید برای جنگ آماده باشد.

جنگ در زندگی ما

این جنگ در چند سطح وجود دارد. واضح است که ما در مقابل رقیبانی قرار داریم. دنیا روز به روز رقابتی‌تر و سخت‌تر می‌شود. در سیاست، تجارت، حتی هنر، با حریفانی روبرو هستیم که برای برتری یافتن هر کاری می‌کنند.

اما نگران‌کننده‌تر و پیچیده‌تر، نبردهایی است که با کسانی داریم که ظاهراً در کنار ما هستند. بعضی‌ها در ظاهر با گروه همکاری می‌کنند، خیلی دوستانه و موافق به نظر می‌رسند، اما پشت پرده به ما ضربه می‌زنند و از جمع برای پیشبرد اهداف خودشان استفاده می‌کنند. عده‌ای دیگر که شناسایی‌شان سخت‌تر است، با روش‌های پنهان و غیرمستقیم پرخاشگری می‌کنند؛ مثلاً قول کمک می‌دهند اما هرگز عمل نمی‌کنند، یا با ایجاد احساس گناه، از آن به عنوان یک سلاح مخفی استفاده می‌کنند. در ظاهر همه چیز آرام به نظر می‌رسد، اما زیر این ظاهر، هر کس به فکر خودش است؛ این وضعیت حتی خانواده‌ها و روابط را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاید فرهنگ جامعه این واقعیت را انکار کند و تصویری آرام‌تر نشان دهد، اما ما این را می‌دانیم و در زخم‌های نبردهایمان حس می‌کنیم.

اینطور نیست که ما و همکارانمان موجودات پستی باشیم که نتوانیم به ایده‌آل‌های صلح و فداکاری عمل کنیم، بلکه نمی‌توانیم طبیعت خودمان را تغییر دهیم. ما تمایلات پرخاشگرانه‌ای داریم که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت یا سرکوب کرد. در گذشته، افراد می‌توانستند انتظار داشته باشند که یک گروه مثل دولت، خانواده بزرگ یا شرکت از آنها مراقبت کند، اما دیگر اینطور نیست. در این دنیای بی‌تفاوت، ما باید اول از همه به فکر خودمان و منافعمان باشیم.

چیزی که ما نیاز داریم، ایده‌آل‌های غیرممکن و غیرانسانی صلح و همکاری نیست که ما را گیج کند، بلکه دانش عملی در مورد چگونگی مقابله با درگیری‌ها و نبردهای روزمره است. و این دانش به این معنی نیست که چطور در به دست آوردن خواسته‌هایمان یا دفاع از خودمان قوی‌تر باشیم، بلکه به این معنی است که چطور در درگیری‌ها منطقی‌تر و با برنامه عمل کنیم و تمایلات پرخاشگرانه خود را به جای انکار یا سرکوب، هدایت کنیم. اگر قرار است به دنبال ایده‌آلی باشیم، باید به دنبال ایده جنگجوی با برنامه باشیم؛ یعنی مرد یا زنی که با حرکت‌های هوشمندانه و ماهرانه، موقعیت‌ها و افراد دشوار را مدیریت می‌کند.

برنامه ریزی فقط یک علم نیست؛ بلکه به کار بردن دانش در زندگی عملی است، پرورش فکری که بتواند ایده اصلی را با توجه به شرایط همیشه در حال تغییر، تغییر دهد؛ این هنر عمل کردن تحت فشار سخت‌ترین شرایط است.

برنامه ریزی و حل مشکلات

بسیاری از روانشناسان و جامعه‌شناسان گفته‌اند که اغلب مشکلات از طریق درگیری حل می‌شوند و اختلاف‌های واقعی از بین می‌روند. موفقیت‌ها و شکست‌های ما در زندگی به این بستگی دارد که چقدر خوب یا بد با

درگیری‌های اجتناب‌ناپذیری که در جامعه با آنها روبرو می‌شویم، کنار می‌آییم.

روش‌های رایجی که مردم با این درگیری‌ها کنار می‌آیند تلاش برای دوری از هر درگیری، عصبانی شدن و حمله کردن، یا حيله‌گر و فریبکار شدن همگی در درازمدت نتیجه عکس می‌دهند، چون تحت کنترل آگاهانه و منطقی نیستند و اغلب وضعیت را بدتر می‌کنند. جنگجویان با برنامه خیلی متفاوت عمل می‌کنند. آنها به اهداف بلندمدت خود فکر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند که از کدام جنگ‌ها دوری کنند و کدام‌ها اجتناب‌ناپذیرند، و می‌دانند چگونه احساسات خود را کنترل و هدایت کنند. وقتی مجبور به جنگ می‌شوند، این کار را با روش‌های غیرمستقیم و ماهرانه انجام می‌دهند، طوری که نقشه‌هایشان به سختی قابل پیگیری است. به این ترتیب می‌توانند ظاهر آرام و صلح‌جویانه خود را که در این دوران سیاسی بسیار ارزشمند است، حفظ کنند.

ریشه برنامه ریزی در جنگ

این ایده جنگیدن منطقی از جنگ‌های سازمان‌یافته به ما رسیده است، جایی که هنر برنامه‌ریزی ابداع و کامل شد. در ابتدا، جنگ اصلاً با برنامه نبود. نبردهای بین قبیله‌ها به شکلی وحشیانه انجام می‌شد، نوعی مراسم خشونت‌آمیز که در آن افراد می‌توانستند قهرمانی خود را نشان دهند. اما با

گسترش قبیله‌ها و تبدیل شدن آنها به حکومت‌ها، خیلی زود مشخص شد که جنگ هزینه‌های پنهان زیادی دارد و جنگیدن کورکورانه اغلب به فرسودگی و نابودی خود، حتی برای پیروز، منجر می‌شود. به هر حال، جنگ‌ها باید منطقی‌تر انجام می‌شدند.

اگرچه کلمه "برنامه ریزی" ریشه‌ی یونانی دارد، اما مفهوم آن در همه فرهنگ‌ها و در همه دوران‌ها دیده می‌شود. اصول محکم در مورد چگونگی مقابله با اتفاقات ناگزیر جنگ، چگونگی ساختن یک نقشه نهایی، و چگونگی بهترین سازماندهی ارتش همه اینها را می‌توان در کتاب‌های جنگی از چین باستان تا اروپای مدرن پیدا کرد. حمله متقابل، حرکت از کنار یا محاصره، و هنرهای فریب، در ارتش‌های چنگیزخان، ناپلئون و شاکا، پادشاه زولو، مشترک بوده‌اند. در مجموع، این اصول و برنامه‌ها نوعی خرد نظامی جهانی را نشان می‌دهند، مجموعه‌ای از الگوهای قابل تطبیق که می‌توانند شانس پیروزی را افزایش دهند.

سون تزو و پیروزی بدون خونریزی

شاید بزرگترین برنامه ریز همه دوران‌ها، سون تزو، نویسنده کتاب کلاسیک چینی باستان "هنر جنگ" بود. در کتاب او، که احتمالاً در قرن چهارم پیش از میلاد نوشته شده، می‌توان ردپای تقریباً تمام الگوها و اصول برنامه‌ریزی را که بعدها در طول قرن‌ها توسعه یافتند، پیدا کرد. اما چیزی که آنها را به هم